

بررسی عوامل مؤثر در بی‌توجهی

دانش‌آموزان به مطالب درسی*

معرفی مقاله

نوشته: خانم طیبه فردوسی

عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی از موضوعاتی است که همواره مورد توجه پدران و مادران، معلمان و دست‌اندرکاران به ویژه اولیای تعلیم و تربیت بوده‌است. تحقیق علمی در این مورد می‌تواند امکان آنرا فراهم آورد که تا حدود زیاد از ورود تحریک‌های مختلف به صحنه هوشیار ذهن دانش‌آموز جلوگیری کند و تعداد معدودی از آن محرک‌ها را که در یادگیری و توجه بیشتر به آن مؤثر است، مشخص نماید.

مقاله زیر، برحاصل بررسی تعداد ۶۷۹ نفر دانش‌آموز و ۷۶ معلم در ده دبیرستان دخترانه و پسرانه شهر تهران تهیه شده که خواهر طیبه فردوسی آنرا بررسی و جمع‌بندی نموده و در اختیار فصلنامه تعلیم و تربیت قرار داده‌است که بدینوسیله از ایشان تشکر می‌شود.

فصلنامه،

* پژوهش حاضر حاصل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته روان‌شناسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس است که تحت راهنمایی دکتر کیانوش هاشمیان و با همکاری دکتر علیرضا کیانوش و دکتر پروین کدیور انجام گرفته‌است.

خلاصه

عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان دبیرستانی به مطالب درسی، با استفاده از یک گروه نمونه تصادفی، شامل ۶۷۹ نفر دانش‌آموز و ۷۶ نفر معلم، در ده مدرسه دخترانه و پسرانه شهر تهران مورد بررسی قرار گرفت. افراد مورد مطالعه، پرسشنامه‌ای را که بدین منظور تهیه شده بود، تکمیل کرده، پس از استخراج پاسخها، عوامل مربوط به دانش‌آموز، معلم، محتوی، محیط فیزیکی کلاس و عوامل اضافی (سایر عوامل) بدست آمد. از میان این عوامل، با آزمون فریدمن و مقایسه زوجی میانگینها معلوم شد که از نظر دانش‌آموزان، عوامل اضافی و پس از آن، عوامل مربوط به معلم، بیشترین تأثیر را در بی‌توجهی دانش‌آموزان می‌گذرانند. علاوه بر این، با استفاده از آزمون t، تأثیر عوامل بی‌توجهی در دو جنس (دختر و پسر) دو منطقه جغرافیایی (شمال و جنوب)، دو رشته تحصیلی (ریاضی، فیزیک و علوم تجربی)، دو ردیف اول و آخر کلاس و معدلهای بالا (بیشتر از ۱۷) و پایین (کمتر از ۱۳) مورد آزمون قرار گرفت. نتایج حاصله نشان داد که به طور کلی تأثیر عوامل بی‌توجهی، بین دانش‌آموزان دختر و پسر، مناطق شمال و جنوب و دو ردیف اول و آخر کلاس یکسان است؛ لکن این عوامل آثار متفاوتی در دانش‌آموزانی که دارای معدّل بالا و پایین هستند و یا در رشته ریاضی - فیزیک و علوم تجربی تحصیل می‌کنند، می‌گذارد. محاسبات همبستگی نیز، نشانگر رابطه مثبت بین تأثیر این عوامل (عوامل بی‌توجهی در هر یک از موارد مورد بررسی) و عدم موفقیت تحصیلی بود.

مقدمه

انسان، به عنوان موجودی متفکر، به وسیله حواس گوناگون با دنیای خارج ارتباط برقرار می‌کند و حتی دانش او از دنیای خارج از طریق حواس گوناگون برای او حاصل می‌شود. اما این حواس، در هر لحظه با محرکهای مختلف تحریک می‌شود و می‌توان گفت که تحریکهای مختلف، انسان را به طور دائم مورد هجوم و بمباران خود قرار می‌دهد. اگر تمام تحریکات وارد ذهن می‌شد و یا به بیان دیگر مورد توجه قرار می‌گرفت، زندگی بسیار مشکل و غیر قابل تحمل بود. لکن توانایی توجه، این امکان را به انسان می‌دهد که بتواند ورود این تحریکها را به صحنه هوشیار ذهن کنترل کند و از میان محرکهای گوناگون فقط عده معدودی از آنها را برگزیند. اما اینکه چه عواملی در این انتخاب شرکت دارند، موضوع مهم و قابل بررسی است. بدین ترتیب اطلاعات مختلف برای ورود به ذهن باید از صافی توجه عبور کند و اکثر اعمال ذهنی نیز عملیات خود را مستلزم شرکت و دخالت این فرایند می‌دانند.

چنانچه ادراک به عنوان اساس همه فعالیتهای عالی ذهن هنگامی به خوبی و سهولت صورت خواهد گرفت که حالت تمرکز و دقت در شخص وجود داشته باشد. پس می‌توان

گفت که دقت یا توجه برادراک مقدم است.

یکی دیگر از فرایندهای ذهنی که توجه به عنوان کانال ورودی آن نقش اساسی را به عهده دارد، حافظه است "آنهايي که در زمينه تحقیق در حافظه تخصص دارند، از سه نوع حافظه یا نظام انباشتگی نام می‌برند:

- انباشت حسی یا ثبتی،

- انباشت کوتاه مدت

- انباشت بلند مدت

اطلاعات جدید وارد حافظه کوتاه مدت می‌شود و اگر به آن توجه نشود از بین می‌رود. ولی اگر اطلاعات به دلیلی مورد توجه قرارگیرد، حداقل برای مدت کوتاهی به خاطر می‌ماند.^۱

علاوه بر ادراک و حافظه، یادگیری نیز مشروط بر تمرکز دقت است. زیرا هرچه شخص حواس خود را بیشتر روی موضوعی متمرکز کند، به همان نسبت آسانتر به یادگیری آن توفیق می‌یابد، بنابراین، دقت هم در یادگیری و به ویژه یادگیری شناختی^۲ از شروط اساسی بشمار می‌رود و هم اینکه در فرایندهای دیگر ذهنی که در یادگیری مؤثرند، از قبیل ادراک، حافظه، استدلال و تفکر، شرط اساسی محسوب می‌گردد.

بنابراین از لحاظ روان‌شناسی بحث در مورد مفهوم توجه، مقدم بر مباحث مربوط به فرایندهای مختلف ذهنی است زیرا در هر یک از این فرایندها، عامل توجه، شرط اساسی و کانال ورودی بشمار می‌آید. از طرف دیگر به دلیل نقش مهمی که این فرایندها، در تعلیم و تربیت ایفا می‌کنند همیشه از مباحث اصلی روان‌شناسی پرورشی و یادگیری و... محسوب می‌گردند، پرداختن به توجه راه، هم به دلیل اینکه مقدمه تمام فرایندهای ذهنی است و هم به لحاظ اهمیت آن در آموزش و پرورش، امری ضروری خواهد کرد. زیرا با این دید، توجه و دقت شرط ضروری تعلیم و تربیت است و مهمترین نقش را در آموزش به عهده دارد و می‌تواند در محیطهای آموزشی تمام اهداف و کوششها را به ثمر رسانده یا بی‌نتیجه گرداند. چه ممکن است بهترین برنامه‌های آموزشی با برترین هدفها، بدون توجه با ابعاد مختلف این پدیده، کوچکترین تأثیری نداشته باشد. خصوصاً اینکه بی‌توجهی از رایج‌ترین مشکلات موجود در نظام آموزشی مامحسوب می‌گردد. طبق گزارشهای موجود در دفتر مرکزی هسته مشاوره تربیتی (از فروردین ماه ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۹) نه تنها این مشکل در تمام مقاطع تحصیلی - از ابتدایی تا دبیرستان - وجود دارد بلکه در دانش‌آموزان هر دو جنس (دختر و پسر) نیز مشاهده گردیده است.^۳ که این نیز خود اهمیت پرداختن به چنین معضلی را دوچندان می‌کند.

به علت اهمیت و نقش توجه در یادگیری و آموزش، در این تحقیق تلاش شده که عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان در محیط کلاس و در جریان تدریس، مورد

بررسی قرارگیرد. عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان در کلاس و درجریان تدریس را می‌توان به دو بخش عمده تقسیم نمود:

۱- عوامل فردی:

عوامل فردی به عواملی گفته می‌شود که از درون خود دانش‌آموز موجب بی‌توجهی او می‌شود مانند: انگیزه‌ها، هیجانان، رغبتها و علائق، خستگی، اشتغالات فکری و خیالبافی و...

۲- عوامل محیطی:

عوامل محیطی به عواملی گفته می‌شود که هر یک به نوعی در محیط کلاس (خارج از وجود دانش‌آموزان) بر بی‌توجهی دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد. این عوامل به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

- الف - عوامل مربوط به معلم، از جمله روش تدریس، نوع رفتار و برخورد با دانش‌آموز، سرعت بیان، لهجه، وضع ظاهر و...
- ب - عوامل مربوط به محتوای درسی، از قبیل مشکل یا ساده بودن مطلب، یکنواختی و تکراری بودن آن، حجم مطلب و...
- ج - عوامل فیزیکی مربوط به محیط کلاس، مانند نور، سرما، گرما، سرو صدا و...

سابقه موضوع

بررسی منابع علمی در رابطه با سابقه موضوع نشان داد که تحقیقات انجام شده از یک طرف به بررسی رابطه دو متغیر پرداخته و از طرف دیگر با خصوصیات مدارس ایران هماهنگ نیستند.

لاهاردرن^۲ در مطالعه‌ای که با استفاده از روش مشاهده روی دانش‌آموزان ۱۱ ساله انجام داده، نتایج تحقیق خود را اینگونه گزارش کرده است: دانش‌آموزانی که از نظر میزان هوش، در سطح بالاتری قرار دارند، در فعالیتهای کلاس درس، توجه بالاتری از خود نشان داده‌اند.

نتایج این تحقیق نوع سازگاری را میان جنبه‌های شناختی و توجه دانش‌آموزان در فعالیتهای کلاس درس، نشان داده‌است. دانش‌آموزان ناموفق، در هنگام درس تمایل به رفتارهایی از قبیل بازی و بی‌توجهی از خود نشان می‌دهند. این قبیل رفتارها در میزان موفقیت چنین دانش‌آموزانی مؤثر می‌باشد. سولی^۶ (۱۹۷۶) و

ساک^۸ (۱۹۷۳) تلاش کرده با تجزیه و تحلیل فرایندهایی که در توجه متمرکز شرکت دارند، آنها را بررسی نموده، سپس ارتباط این اجزاء را با پیشرفت علمی معلوم

دارد. وی سه جزء موجود در توجّه متمرکز، یعنی میزان انتخاب، توانایی مقاومت در برابر حواسپرتی و توانایی برای جابجایی ارادی و ارتباط این سه جزء را با یادگیری بررسی نمود.

آزمودنیها در این تحقیق، شامل ۱۶۴ نفر از دانش‌آموزان کلاس هشتم متوسطه بودند. هر یک از آزمودنیها به وسیلهٔ آزمونهای مختلفی در رابطه با هر یک از این سه جزء از یک طرف و نیز از لحاظ استعداد علمی و پیشرفت باعوامل (سه جزء) مورد نظر بود.

محققین متعددی هم حواسپرتی را در کلاس درس مورد بررسی قرار داده‌اند. لکن تمرکز آنها بیشتر بر روی اثر سروصدا بوده‌است. تحقیق در مورد پدید آمدن کوتاه مدت صدایی که هم از داخل کلاس و هم خارج آن تولید می‌شود، نشان داد که سطح صدا هیچ تأثیری در عملکرد بچه‌ها ندارد. الن بورگ^{۱۰} و روسل^{۱۱} (۱۹۷۶)، اسلاتر^{۱۲} و اینستن و وینستین^{۱۳} (۱۹۷۸). کوهن^{۱۴}، ایوانز^{۱۵} و کرانتز^{۱۶} و استوکولز^{۱۷} (۱۹۸۰)، تأثیر صدای روی دانش‌آموزان مدرسه نزدیک فرودگاه بین‌المللی لوس آنجلس مورد مطالعه قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان، با افزایش سالهایی که در معرض صدا قرار گرفتند، حواسپرتی بیشتری را از خود نشان داده‌اند.

شری آهرترتن^{۱۸} نیز در سال ۱۹۸۱، تحقیقی در رابطه با محیط فیزیکی کلاس انجام داده‌است. در این تحقیق معلمان ۱۳ کلاس از ۵ مدرسه ابتدایی مدارس که در محلهٔ طبقه بالاتراز متوسط (از نظر رفاهی) و ۶۵ دانش‌آموز ۹ تا ۱۳ ساله که به طور تصادفی از این کلاسها انتخاب شده بودند، مورد مصاحبه قرار گرفتند. فعالیت‌های کلاس نیز مورد مشاهده قرار گرفت. نتایج نشان داد که مشخصات داخلی مکان کلاس، مثل بلندی سقف، مساحت کلاس، مساحت متعلق به هر فرد در کلاس، بر مقدار حواسپرتی اثر می‌گذارد. هر قدر که فضای کلاس بیشتر باشد حواسپرتی کمتر خواهد بود و رضایت بیشتری از محیط کلاس حاصل خواهد شد.^{۱۹}

کنت^{۲۰} و شرابل^{۲۱} در ۱۹۶۸، تأثیر انگیزهٔ پیشرفت و موقعیتهای سروصدا بر روی یادگیری جفتهای متداعی را مورد مطالعه قرار دادند.

نتایج نشان داد که گروهی که انگیزهٔ پیشرفت بالایی داشتند، عمل یادگیری را بهتر انجام داده بودند، لکن همهٔ آزمودنیها در شرایط سروصدا عملکرد بدتری را نسبت به شرایط سکوت نشان داده بودند.^{۲۲}

هانکوک^{۲۳} در رابطه با تأثیر عوامل محیطی (درجه حرارت و سروصدا) در کارهای مراقبتی، مطالعاتی انجام داده‌است. نتایج تحقیقات او در ارتباط با درجه حرارت نشان داده‌است که بهترین عملکرد مراقبت در درجه حرارت معتدل می‌باشد. (۱۹۸۶) و

اهداف تحقیق

با توجه به اهمیت دقت و توجه در یادگیری و بخصوص یادگیریهای کلاسی، شناخت عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان و مطالعه رابطه بین این عوامل و پیشرفت تحصیلی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. برای رسیدن به این هدف، ابتدا چهار عامل که با توجه به مطالعات و تجارب قبلی شناسایی شده بودند، به عنوان عوامل عمده و مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان، به شرح ذیل مورد توجه قرار گرفت: عوامل فردی، عوامل مربوط به معلم، عوامل مربوط به محتوی و عوامل مربوط به محیط فیزیکی کلاس. سپس برای هر عامل یک سؤال خاصی مطرح گردید: اجزاء هر یک از عوامل چهارگانه که در بی‌توجهی مؤثر هستند، کدامند؟ همچنین دو سؤال و یک فرضیه خاص دیگر به شرح ذیل مطرح گردید:

- کدام یک از چهار عامل فوق در بی‌توجهی دانش‌آموزان به یادگیری و درس مؤثرتر هستند؟

- آیا از نظر تأثیر عوامل بی‌توجهی بین دانش‌آموزان مناطق شمال و جنوب شهر تهران، دانش‌آموزان دختر و پسر، رشته ریاضی - فیزیک و علوم تجربی، دو ردیف اول و آخر کلاس و همچنین دانش‌آموزان دارای معدل بالا (از ۱۷ به بالا) و معدل پایین (از ۱۳ به پایین) تفاوتی موجود است؟ (در پنج سؤال جداگانه).

فرضیه مورد بررسی در این تحقیق نیز عبارت بود از:

- بین عوامل مؤثر در بی‌توجهی و عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، رابطه مثبت وجود دارد. ملاک عدم موفقیت تحصیلی، نمراتی بود که دانش‌آموز در نلث آخر سال تحصیلی به دست آورده بود و مقدار آن از طریق معدل نلث سوم معلوم گردید. در این تحقیق معدلهای کمتر از ۱۳ بیانگر عدم موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان بود.

روش تحقیق

از پرسشنامه به عنوان ابزار تحقیق استفاده شده است. همچنین به علت اهمیت موضوع و برای دست‌یابی به اطلاعات دقیق و تا حد قابل قبول روا، از حجم نمونه نسبتاً زیاد استفاده شد.

شناخت عوامل بی‌توجهی در دانش‌آموزان که از معضلات آموزش و پرورش در همه مقاطع تحصیلی به شمار می‌آید، از طریق بررسی نظرات دانش‌آموزان و معلمان که از نزدیک با این گونه مسایل درگیر هستند، انجام گرفته است.

آزمودنیها

چون پرسشنامه مدوئی در این زمینه موجود نبود، به ناچار، کار تحقیق در دو مرحله صورت گرفت، مرحله نخست با استفاده از پرسشنامه‌ای حاوی سئوالات باز، از

دانش‌آموزان و معلمان، عوامل بی‌توجهی پرس وجود شد و در مرحله بعد، نتایج به دست آمده از این بررسی مقدماتی، جهت تهیه پرسشنامه اصلی و نهایی به کار برده شد. بنابراین نمونه‌گیری نیز در دو مرحله انجام گرفت.

مرحله اول: ابتدا از بین مناطق بیستگانه آموزش و پرورش شهر تهران، منطقه ۳ از شمال و منطقه ۱۷ از جنوب انتخاب گردید. سپس از هر منطقه، یک واحد آموزشی دخترانه و یک واحد آموزشی پسرانه و از هر واحد یک کلاس درس با روش تصادفی ساده برگزیده شد. تعداد پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط دانش‌آموزان، ۲۰۵ نسخه بود. پرسشنامه مربوط به معلمان نیز در ساعات استراحت به دبیران همان مدارس داده شد. تعداد دبیرانی که پرسشنامه مربوطه را تکمیل کردند ۳۵ نفر بود.

در مرحله دوم: به علت کثرت متغیرهای مورد بررسی، جمعیت آماری به دو رشته علوم تجربی و ریاضی - فیزیک و از لحاظ پایه تحصیلی به پایه سوم دبیرستان محدود گردید. همچنین به دلیل توصیفی بودن موضوع و در جهت اخذ نظرات گسترده و وسیع دانش‌آموزان و معلمان، مناطق بیستگانه تهران از نظر جغرافیایی به ۵ ناحیه تقسیم شد. از هر منطقه جغرافیایی با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، یک منطقه انتخاب گردید. این مناطق عبارت بودند از:

منطقه ۳ از شمال، منطقه ۵ از غرب، منطقه ۱۱ از مرکز، منطقه ۱۳ از شرق و منطقه ۱۷ از جنوب. حجم نمونه برای دانش‌آموزان مورد بررسی در این مرحله، ۳۷۰ نفر انتخاب گردید. حجم نمونه با توجه به پیشنهاد مورگان و کرسی^{۲۵} مندرج در کتاب کریستنسن^{۲۶} (۱۹۸۵)، تعیین گردید.

برای دستیابی به حجم نمونه مورد نظر، از هر منطقه، یک واحد دخترانه و یک مدرسه پسرانه انتخاب شد.

چنانکه بعداً در بخش ابزار جمع‌آوری اطلاعات بحث خواهد شد، به دلیل کثرت عوامل و زیاد بودن تعداد سئوالات، برای جلوگیری از مداخله متغیر مزاحم خستگی در تکمیل پرسشنامه‌ها، سئوالات دونیم شد و هر نیمه آن در یک فرم جداگانه (فرم الف و ب) قرار گرفت. به همین دلیل، حجم نمونه دو برابر شد. به عبارت دیگر، ۳۷۰ نفر دانش‌آموز به سئوالهای فرم الف و ۳۷۰ نفر دانش‌آموز به فرم ب پاسخ دادند. ۲۷ در عمل ۶۷۹ دانش‌آموز و ۷۶ نفر معلم به سئوالهای پرسشنامه‌های تحقیق پاسخ دادند. جدول شماره یک، تعداد دانش‌آموزان را به تفکیک منطقه، جنس، رشته تحصیلی و جدول شماره دو تعداد معلمان را بر حسب جنس نشان می‌دهد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات:

در این تحقیق، از پرسشنامه به عنوان وسیله جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. با توجه به

جدول ۱: توزیع فراوانی و درصد سهم هریک از متغیرهای جنسیت، رشته تحصیلی و مناطق در نمونه (دانش آموزان)

جنس	رشته	منطقه ۳	منطقه ۵	منطقه ۱۱	منطقه ۱۳	منطقه ۱۷	جمع
دختر	تجربی	ف	۴۰	۷۸	۶۳	۴۹	۲۸۴
	درصد	۵/۸۹	۱۱/۴۸	۹/۲۷	۷/۹۵	۷/۲۱	۴۱/۸۳
	ریاضی	ف	۳۹	۰	۰	۰	۶۳
	درصد	۵/۷۴	۰	۰	۳/۵۳	۰	۹/۲۸
پسر	تجربی	ف	۵۴	۴۴	۰	۴۳	۱۸۵
	درصد	۷/۹۵	۶/۴۸	۰	۶/۴۸	۶/۳۳	۲۷/۱
	ریاضی	ف	۰	۰	۹۰	۲۷	۱۴۷
	درصد	۰	۰	۱۳/۲۵	۲/۹۴	۵/۴۴	۲۱/۶۵
جمع	فراوانی	۱۳۳	۱۲۲	۱۵۳	۱۴۲	۱۲۹	۶۷۹
	درصد	۱۹/۵۹	۱۷/۹۷	۲۲/۵۳	۲۰/۹۱	۱۸/۹۹	۱۰۰

ف = فراوانی

جدول ۲: توزیع فراوانی و درصد معلمان بر حسب جنسیت

جنس	فراوانی	درصد
زن	۴۶	۶۰/۵۲
مرد	۳۰	۳۹/۴۷
جمع	۷۶	۱۰۰

موضوع تحقیق و به علت عدم دسترسی به پرسشنامه از قبل تهیه شده، با استفاده از فنون و شیوه‌های ارائه شده برای تهیه یک پرسشنامه مناسب، پرسشنامه لازم تهیه گردید. مراحل تهیه پرسشنامه به طور خلاصه عبارتند از:

۱- با مطالعه اجمالی منابع مربوطه و صحبت‌های پراکنده با چند دانش آموز، دو پرسشنامه

مقدماتی که حاوی سئوالات باز بود، تهیه گردید: یکی از پرسشنامه‌ها مخصوص دبیران، با ۱۳ سؤال و پرسشنامه دیگر مربوط به دانش‌آموزان با ۷ سؤال. پرسشنامه‌ها محتوی سئوالاتی در رابطه با ابعاد مختلف توجه و بی‌توجهی و عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان در چهار بعد مهم - که در این تحقیق مورد بررسی بود - مثل عوامل مربوط به دانش‌آموز، معلم، محتوای دروس و محیط فیزیکی کلاس بود.

پس از اجرای این پرسشنامه‌ها و استخراج داده‌ها، تعداد عوامل مورد شناسایی قرار گرفت. علاوه بر عوامل محدود به چهار حوزه تعیین شده، در پاسخهای داده شده موارد دیگری نیز مشاهده گردید که همگی تحت عنوان عوامل اضافی (سایر عوامل) نامگذاری شد.

۲- مقوله‌های به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌های مقدماتی و همچنین عوامل اخذ شده از مطالعه منابع مختلف علمی، در قالب سئوالهای بسته به صورت خودسنجی ۲۸ یا گزارش شخصی تنظیم گردید. ۲۹

سئوالهای حاصل از اجرای پرسشنامه‌های مقدماتی و مطالعات نظری، به پنج بخش عمده تقسیم شد:

الف - عوامل فردی یا عواملی که از جانب خود دانش‌آموز موجب بی‌توجهی او می‌شد. (۴۴ سؤال)

ب - تأثیر رفتارهای مختلف معلم در بی‌توجهی شاگردان. (۴۳ سؤال)

ج - عوامل ناشی از محتوای دروس. (۲۲ سؤال)

د - تأثیر عوامل فیزیکی محیط کلاس. (۱۷ سؤال)

هـ سایر عوامل (عوامل اضافی) با ۱۵ سؤال.

برای پاسخگویی به سئوالها، از مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت استفاده شد. این پنج درجه عبارت بودند از: کاملاً مخالفم، مخالفم، بی تفاوت، موافقم، کاملاً موافقم.

چون از یک طرف پاسخگویی به پرسشنامه‌ای با ۱۴۱ سؤال موجب خستگی و بی‌توجهی پاسخ دهنده می‌شد و از طرف دیگر، حذف هیچ یک از عوامل ممکن نبود، همچنانکه گفته شد، سئوالها به دو بخش تقریباً مساوی تقسیم و در دو فرم الف (با ۷۰ سؤال) و ب (با ۷۱ سؤال) تنظیم گردید. در مقابل، حجم نمونه به دو برابر افزایش یافت. پس از اینکه پرسشنامه مربوط به دانش‌آموزان در دو فرم تنظیم گردید، همین دو فرم با تغییر ساخت جملات به نحوی که مناسب پاسخگویی معلمان باشد، بازنویسی شد.

جهت تعیین پایایی پرسشنامه نیز، از روش اجرای مجدد ۲۱ در یکی از مدارس نمونه گیری شده استفاده شد. همبستگیهای به دست آمده برای مقوله‌های مختلف عبارتند از: ۰/۸۳ عوامل فردی، ۰/۷۶ عوامل مربوط به معلم، ۰/۸۲ عوامل فیزیکی، ۰/۶۹ عوامل مربوط به محتوی، ۰/۸۲ عوامل اضافی و ۰/۸۶ معدل کل عوامل.

نتایج

قبل از بحث بر روی نتایج، توضیح این مطلب ضروری است که چنانکه قبلاً اشاره شد، برای پاسخ دانش آموزان از طیف ۵ درجه‌ای استفاده گردید؛ لکن به منظور امکان مقایسه پاسخ این گروه با پاسخ معلمان که با طیف ۳ درجه‌ای جمع آوری شده بود، پاسخهای کاملاً مخالفم و مخالفم دانش آموزان در طیف مخالف و فراوانی کاملاً موافقم و موافقم نیز در طیف موافق گنجانده شد. بدین ترتیب مقیاس پرسشنامه دانش آموزان نیز به ۳ درجه‌ای تبدیل گردید.

تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، با استفاده از فراوانی و درصد (پاسخهای بیش از ۶۰ درصد) نشان داد که در مجموع ۷۸ عامل در بی توجهی دانش آموزان دبیرستانی مؤثر هستند. تعداد عوامل مؤثر در هر یک از حوزه های پنجگانه شناسایی شده عبارتند از:

عوامل فردی (عوامل مربوط به خود دانش آموز) ۲۴ عامل، عوامل مربوط به معلم ۲۴ عامل، عوامل مربوط به محتوی ۱۱ عامل، عوامل فیزیکی محیط کلاس ۸ عامل و سایر عوامل (عوامل اضافی) ۱۱ عامل. همچنین مؤثرترین عامل از نظر دانش آموزان و معلمان، عوامل اضافی و پس از آن از نظر دانش آموزان (در این مورد علاوه بر مقایسه درصد، از آزمون فریدمن و مقایسه زوجی میانگینها نیز استفاده شد). عوامل مربوط به معلم و ازدید معلمان، عوامل مربوط به محیط فیزیکی کلاس، مؤثرترین عامل محسوب گردید.

جداول شماره ۳ تا ۷، عوامل به دست آمده از هر یک از این حیطه‌ها را به طور جداگانه نشان می‌دهد. جدول شماره ۸ مؤثرترین عامل را ازدید دانش آموزان و معلمان ارائه می‌دهد. (جدول شماره ۸)

لازم به ذکر است که جهت اختصار، در تمام جداول مربوط به عوامل مؤثر در بی توجهی، (جداول ۳ تا ۷)، فقط عواملی که در هر دو گروه - دانش آموز و معلمان - به طور مشترک در بی توجهی مؤثر دانسته، ارائه گردیده است. ۳۲ علاوه بر ۵ عامل مشترک مندرج در جدول ۳ هر یک از دو گروه دانش آموزان و معلمان به عوامل خاصی اشاره کرده‌اند. این عوامل از نظر دانش آموزان عبارتند از:

تداعی افکار خاص در اثر بعضی از صحبتها و رفتارهای معلم (۶۰/۴ درصد) ناامیدی نسبت به قبولی در کنکور (۶۰ درصد) ناراحتیهای عاطفی ناشی از غم و اندوه، نداشتن امنیت و ... (۸۸/۹ درصد)، گرسنگی (۷۷/۵ درصد)، اشتغال به کارهای غیر درسی در کلاس (۷۲/۵ درصد)، غیبت بیش از حد از مدرسه و مشکلات خانوادگی، (هریک ۷۰ درصد)، بی‌علاقگی به معلم، بی‌علاقگی به محتوای دروس (هریک ۶۹/۴ درصد)، خواب آلودگی و بی‌حوصلگی در زنگهای بعد از ظهر، برنامه‌ها و قرارهای بعد از کار کلاس، تأثیر پذیری از بی توجهی همکلاسیها به درس (هریک ۶۷/۵ درصد)، اشتغال به کار بعد از کلاس (۶۵ درصد)، شکستهای تحصیلی سالهای قبل، بیماریهای جسمی مثل

جدول ۳: توزیع درصد پاسخ دانش‌آموزان و معلمان به عوامل فردی (عوامل مربوط به خود دانش‌آموز)

شماره	عوامل مربوط به دانش‌آموز	پاسخ دانش‌آموزان				پاسخ معلمان			
		درصد مخالف	درصد بی‌تفاوت	درصد موافق	درصد بی‌پاسخ	درصد مخالف	درصد بی‌تفاوت	درصد موافق	درصد بی‌پاسخ
۱	مطالعه دروس مربوط به امتحان ساعت بعد	۱۱/۱	۵/۴	۸۰	۳/۴	-	۵	۹۰	۵
۲	اطلاع از اخبار مضطرب‌کننده و موضوعهای هیجان‌انگیز در کلاس	۱۱/۱	۱۲/۵	۷۴/۴	۲	۵	۷/۵	۸۰	۷/۵
۳	عدم مطالعه مطالب قبلی	۱۴	۱۲/۲	۷۲/۶	۱/۱	۲/۵	۱۵	۸۰	۲/۵
۴	اضطراب امتحان و درس جواب دادن	۱۸/۲	۱۰/۷	۶۹/۸	۱/۲	۱۶/۷	۱۱/۱	۶۱/۱	۱۱/۱
۵	ضعیف بودن پایه تحصیلی	۲۴/۲	۵/۶	۶۹	۱/۱	۲/۵	-	۹۲/۵	۵

مردد، دل درد و... (هریک ۶۳/۹ درصد).

علاوه بر عوامل مشترک مندرج در جدول شماره ۴، دانش‌آموزان، سخت‌گیری معلم (۷۷/۲ درصد)، روش تدریس (۶۴/۴ درصد)، سیستم غلط معلم در شیوه امتحان یا روش کلاسی (۶۲/۸ درصد)، فراهم نکردن شرایط رقابت در کلاس (۶۲/۷ درصد) و بی‌حرکت نشانیدن دانش‌آموز برای مدت طولانی (۶۱/۹ درصد) را جزء عوامل مؤثر در بی‌توجهی خود به مطالب درسی از طریق عمل معلم ذکر کرده‌اند.

لکن معلمان غیر از ۱۳ عامل مندرج در جدول شماره ۴، عواملی مثل: عدم تحرک معلم در کلاس (۷۷/۵ درصد)، ارائه درس پس از خوردن زنگ (۷۰ درصد)، خشونت و بداخلاقی معلم (۶۷/۵ درصد)، اهانت و بددهنی معلم و تحقیر و سرزنش (۶۶/۷ درصد)، هسته و کند صحبت کردن معلم (۶۵ درصد) و اهمیت دادن به حفظ طوطی وار (۶۱/۱ درصد) را از جانب معلم در بی‌توجهی دانش‌آموزان مؤثر دانسته‌اند.

جدول ۴: توزیع درصد پاسخ دانش آموزان و معلمان در سنوهای حاوی "عوامل مؤثر مربوط به معلم"

شماره	عوامل مربوط به معلم	پاسخ دانش آموزان				پاسخ معلمان			
		درصد مخالف	درصد موافق	درصد موافق	درصد مخالف	درصد موافق	درصد موافق	درصد موافق	درصد موافق
۱	پیدا کردن مطلب و عدم توانایی در تفهیم مطالب	۱۰/۸	۵/۴	۸۲/۴	۰/۹	۱۰	۱۲/۵	۷۲/۵	۵
۲	تدریس عین کتاب یا خواندن از روی آن	۱۰	۹/۴	۸۰/۳	۰/۳	۱۰	۸۷/۵	۲/۵	
۳	فشرده و بدون مکتب درس دادن	۱۵/۴	۶/۸	۷۶/۱	۱/۷	۷/۵	۶۷/۵	۱۰	
۴	عدم استفاده از وسایل آموزشی	۱۴	۱۰	۷۴/۹	۱/۱	۲/۵	۹۲/۵	-	
۵	بی تجربگی یا عدم تجربه کافی معلم	۱۵/۷	۹/۱	۷۱/۲	۴	۲/۵	۸۰	۱۰	
۶	سرعت بیان معلم	۲۱/۳	۸/۸	۶۹/۲	۰/۶	۵/۶	۷۲/۲	۵/۶	
۷	بی اطلاعی معلم از اهداف تعلیم و تربیت	۲۰/۵	۹/۷	۶۷/۵	۲/۳	۱۷/۵	۱۲/۵	۶۵	۵
۸	اهمیت ندادن و بی توجهی به دانش آموز	۱۶/۲۲	۱۵/۱	۶۷/۲	۱/۴	۱۲/۵	۷۷/۵	۷/۵	
۹	عدم درک مشکلات دانش آموز	۱۵/۷	۱۴/۵	۶۰/۷	۳/۱	۲۰	۷/۵	۶۵	۷/۵
۱۰	عدم توانایی معلم در کنترل کلاس	۱۹/۵	۱۲/۵	۶۵/۲	۲/۷	۸/۳	۸۸/۹	۲/۸	
۱۱	کمبود معلومات یا عدم تسلط معلم به مطالب	۲۰/۲	۱۰/۳	۶۵	۴/۶	۵	۸۲/۵	۲/۵	
۱۲	کم کاری و وقت-کشی معلم	۲۳/۹	۱۴/۵	۶۰/۴	۱/۱۳	۱۲/۵	۶۷/۵	۷/۵	
۱۳	عدم برنامه ریزی صحیح در ارائه درس	۲۴/۷	۱۲/۸	۶۰/۴	۲/۱	۸/۳	۷۷/۸	۸/۳	

جدول ۵: توزیع درصد پاسخ دانش‌آموزان و معلمان در رابطه با عوامل مؤثر مربوط به محتوی

شماره	عوامل مربوط به دانش آموز	پاسخ دانش آموزان				پاسخ معلمان			
		درصد مخالف	درصد موافق	درصد موافق	درصد مخالف	درصد موافق	درصد موافق	درصد موافق	
۱	انتزاعی بودن محتوای درس	۱۴/۸	۱۶/۸	۶۶/۱	۲/۳	۱۰	۱۰	۷۵	۵
۲	مشخص نبودن ضرورت و کاربرد و فایده دروس	۱۷/۹	۱۴/۸	۶۳/۸	۳/۴	۱۵	۱۵	۶۷/۵	۲/۵
۳	عدم هماهنگی مطالب درسی با اهداف و نیازهای دانش‌آموزان	۱۸/۵	۱۶/۲	۶۲/۱	۳/۱	۱۲/۵	۱۲/۵	۷۲/۵	۲/۵
۴	حجم زیاد مطالب و کثرت مفاهیم عنوان شده در دروس مختلف	۲۵	۱۲/۵	۶۱/۹	۰/۶	۲۲/۲	۱۳/۹	۶۱/۱	۲/۸

علاوه بر عوامل مشترک مندرج در جدول شماره ۵، دانش‌آموزان تراکم برنامه‌های آموزشی (۶۸ درصد)، حفظی بودن برخی دروس (۴/۶ درصد) و تداخل مطالب دروس مشابه در ذهن (۶۰/۴ درصد) و معلمان هم، دلپذیر و پرجاذبه نبودن مطالب درسی (۸۵ درصد)، مشکل و دوزخ فهم بودن مطالب (۶۶/۷ درصد)، عدم ارتباط بعضی از دروس با رشته تحصیلی (۶۱/۱ درصد) و عدم کاربرد مطالب درسی در زندگی روزمره (۶۰ درصد) را به عنوان عوامل مؤثر در بی‌توجهی ذکر کرده بودند.

جدول ۶: توزیع درصد پاسخ دانش‌آموزان و معلمان به عوامل مربوط به محیط فیزیکی کلاس

شماره	عوامل مربوط به دانش‌آموز	پاسخ دانش‌آموزان				پاسخ معلمان			
		درصد مخالف	درصد بی تفاوت	درصد موافق	درصد بی پاسخ	درصد مخالف	درصد بی تفاوت	درصد موافق	درصد بی پاسخ
۱	صحبت اطرافیان و سروصدای کلاس	۱۳/۳	۱۲	۷۲	۲/۶	۵	۸۰	۱۰	۵
۲	زیاد بودن تعداد شاگردان و کوچک بودن کلاس	۲۲/۵	۱۰	۶۵/۲	۲/۱	۸/۳	۸۶/۱	-	۵/۶
۳	نامناسب بودن نور کلاس	۲۲	۱۳/۳	۶۲/۱	۲/۶	۷/۵	۸۲/۵	۵	۵
۴	سروصدای کلاس - های اطراف، حیاط مدرسه با اطراف آن	۲۴/۴	۱۳/۴	۶۱/۶	۰/۶	۱۱/۱	۷۲/۲	۱۱/۱	۵/۶

در پاسخ دانش‌آموزان به تأثیر محیط فیزیکی کلاس، غیر از عوامل مشترک ذکر شده در جدول ۶، عامل دیگری مؤثر شناخته نشده بود؛ لیکن معلمان غیر از ۴ عامل مشترک، چهار عامل دیگر را مؤثر دانسته‌اند. این عوامل عبارتند از: نشستن در محل نامناسب در کلاس (۷۲/۵ درصد)، شکستگی، خرابی و کوچکی تخته (۷۲/۵ درصد)، مشرف بودن پنجره کلاس به منازل مسکونی اطراف، نظیر حیاط یا خیابان (۷۲/۵ درصد)، سرمای کلاس (۷۰/۵ درصد).

دانش‌آموزان علاوه بر ۵ عامل مندرج در جدول ۷، عامل کلاسهای زنگ آخر - آخرین کلاس - (۶۱ درصد) را در حواسپرتی خود مؤثر ذکر کرده‌اند معلمان نیز،

جدول ۷: توزیع درصد پاسخ دانش‌آموزان و معلمان به سایر عوامل مؤثر در بی‌توجهی

شماره	عوامل مربوط به دانش‌آموز	پاسخ دانش‌آموزان				پاسخ معلمان			
		درصد مخالف	درصد موافق	درصد موافق	درصد مخالف	درصد موافق	درصد موافق	درصد موافق	
۱	تنظیم نامناسب جدول ساعات درسی روزانه و هفتگی	۸/۶	۴/۹	۸۴	۲/۶	-	۱۵	۸۲/۵	۲/۵
۲	نداشتن تفریحات سالم	۱۱/۶	۹/۴	۷۷/۴	۱/۵	۵/۶	-	۸۳/۳	۱۱/۱
۳	کمبود یا فقدان امکانات آزمایشگاهی برای دروس علمی	۱۵	۱۲/۵	۷۱/۳	۱/۲	۸/۳	۱۶/۷	۶۶/۷	۸/۳
۴	خستگی اواخر ساعت هر درس	۱۵/۳	۱۲/۲	۷۱/۲	۱/۱	۱۵	۵	۷۰	۱۰
۵	کم بودن ساعات ورزش و کمبود امکانات ورزشی	۱۲/۸	۱۵	۷۰/۷	۱/۴	۱۵	۱۰	۷۲/۵	۲/۵

بی‌ارزشی تحصیل و علم و باارزش شدن پول و رفاه در جامعه (۸۵ درصد)، مسایل ناشی از دو نوبته بودن مدرسه (۷۷/۸ درصد) کوتاه بودن زنگ تفریح (۶۲/۵ درصد)، تعویض و تغییر معلم یک درس (۶۱/۱ درصد)، و مشکلات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه (۶۱/۱ درصد) را علاوه بر پنج عامل مذکور، مؤثر دانسته‌اند.

پاسخهای دانش‌آموزان و معلمان به هریک از حوزه‌های پنجگانه مورد بررسی، به صورت کلی در جدول شماره ۸ مورد مقایسه قرار گرفته است.

جدول ۸: مقایسه درصد پاسخ دانش آموزان با معلمان در مورد ۵ عامل مؤثر در بی توجهی.

عوامل فراوانی و درصد	مربوط به شاگرد	مربوط به معلم	مربوط به محتوی	مربوط به محیط فیزیکی	مربوط به اضافی
درصد مخالف	۱۸/۶۷	۱۹/۸	۲۱/۵۱	۱۴/۱۸	۱۴/۰۱
بی تفاوت	۱۵/۲۱	۱۳/۱۴	۱۴/۷۸	۱۴/۹۱	۱۳/۴۴
موافق	۵۸/۲۳	۵۹/۶۵	۵۵/۷۶	۶۲/۲۸	۶۴/۰۱
بدون پاسخ	۷/۹۳	۷/۳۹	۷/۹۳	۸/۶۲	۸/۵۲
درصد مخالف	۴۴/۵۸	۲۸/۰۱	۳۱/۵۸	۳۰/۳۵	۲۵/۱۵
بی تفاوت	۱۴/۱۶	۱۴/۹۹	۱۵/۲۶	۱۸/۸۸	۱۴/۱۰
موافق	۳۸/۸۳	۵۴/۷۷	۵۱/۰۷	۴۸/۵۶	۵۸/۴۷
بی پاسخ	۲/۴۱	۲/۲۱	۲/۰۸	۲/۱۹	۲/۲۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

باتوجه به اطلاعات این جدول، هردو گروه - دانش آموزان و معلمان - تأثیر عوامل اضافی در بی توجهی را مؤثرتر از سایر عوامل می دانند. از نظر معلمان، عوامل مربوط به محیط فیزیکی کلاس و از نظر دانش آموزان عوامل مربوط به محتوی، عوامل مؤثر بعدی محسوب می گردند.

نتایج حاصل از آزمون ا ارائه شده در جدول ۹ بیانگر این بود که به طور کلی تأثیر عوامل بی توجهی بین دانش آموزان شمال و جنوب شهر تهران، پسرودختر، دوردید اول و آخر کلاس، یکسان است. تأثیر عوامل بی توجهی در دانش آموزان دو رشته تحصیلی (ریاضی - فیزیک و علوم تجربی) و دانش آموزان با معدلهای بالا و پایین (بیشتر از ۱۷ و کمتر از ۱۳) ۲/۷۴ = ۱ از نظر آماری متفاوت است.

اطلاعات مندرج در جدول شماره ۱۰ نشان می دهد که بین معدّل ثلث آخر با عوامل مربوط به دانش آموز (۳۰۵٪ - $r =$) عوامل مربوط به محتوا (۱۰۶/۰ - $r =$) و عوامل اضافی $r = - ۰/۱۴۲$ همبستگی وجود دارد و میزان این همبستگیها از نظر آماری معنادار است. با

جدول ۹: آزمون تفاوت بین دانش‌آموزان در متغیرهای منطقه، جنسیت، ردیف (محل نشستن)، رشته تحصیلی، معدل ثلث آخر از نظر تأثیر عوامل بی‌توجهی

معدل کل	متغیرها	متغیرها N	X	S	t	P
معدل کل عوامل	مناطق	شمال	۱۳۳	۲/۲۹	۰/۴۸	۰/۶۸
		جنوب	۱۲۹	۲/۲۴	۰/۶۱	
	جنسیت	دختر	۳۴۶	۲/۲۵	۰/۵۱۳	۰/۵۳
		پسر	۳۳۳	۲/۲۳	۰/۵۹	
	ردیف	دور ردیف اول	۲۳۰	۲/۲۲	۰/۵۵	-۰/۰۴
		دور ردیف آخر	۲۳۸	۲/۲۳	۰/۵۲	
	رشته تحصیلی	تجربی	۴۶۹	۲/۲۸	۰/۵۱	۲/۷۹
		ریاضی	۲۱۰	۲/۱۵	۰/۶۱	
	معدل ثلث آخر	معدل کمتر از ۱۳	۲۳۴	۲/۳۰	۰/۵۵	۲/۷۲
		معدل بیشتر از ۱۷	۱۴۹	۲/۱۴	۰/۵۴	

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

توجه به معنی دار بودن ضریب همبستگی بین معدل ثلث آخر و معدل کل عوامل بی‌توجهی ($r = -0/111$) و معنی دار بودن ضریب همبستگی بین ۳ عامل از ۵ عامل مورد بررسی می‌توان نتیجه گرفت که بین معدل و عوامل بی‌توجهی همبستگی وجود دارد. با افزایش عوامل بی‌توجهی معدل درسی دانش‌آموزان کاهش می‌یابد.

لازم به یادآوری است که بالاترین مقدار r در جدول فوق $0/3056$ می‌باشد که با توجه به $r^2 = 0/09339$ تنها می‌توان حدود ۱۰ درصد از عوامل مؤثر در یک متغیر را از روی متغیر دیگر پیش‌بینی نمود. بدین ترتیب مقادیر بالا اگر چه از نظر آماری معنی دار هستند ولی از نظر عملی ارزش چندانی ندارند.

جدول ۱۰: محاسبه ضریب همبستگی بین معدل ثلث آخر و معدلهای مربوط به عوامل مؤثر در بی‌توجهی

معدل کل عوامل *	عوامل اضافی *	عوامل فیزیکی	عوامل مربوط به محتوی *	عوامل مربوط به معلم	عوامل فردی *	
-۰/۱۱۱۹	-۰/۱۴۲۴	-۰/۰۲۰۷	-۰/۱۰۶۷	-۰/۰۰۵۸	-۰/۳۰۵۶	معدل ثلث آخر
$P=۰/۰۰۸$	$P=۰/۰۰۱$	$P=۰/۶۲۵$	$P=۰/۰۱۱$	$P=۰/۸۹۱$	$P=۰/۰۰۰$	P
معنادار است	معنادار است	معنادار نیست	معنادار است	معنادار نیست	معنادار است	$P<۰/۰۵$ معنادار است

بحث

در ارائه شواهد تحقیقی مبنی بر رد یا تأیید نتایج این تحقیق، چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، به دلیل عدم انجام تحقیقاتی به این وسعت، نمی‌توان به این قبیل تحقیقات استناد کرد مگر در موارد بسیار جزئی مثلاً چنانکه در سابقه موضوع بیان گردید، در رابطه با تأثیر عوامل فیزیکی، عامل سروصدا و تأثیر آن در بی‌توجهی، از جمله موضوعاتی است که در محیط آموزشی و نیز موقعیتهای دیگر، مورد بررسی قرار گرفته‌است. یافته‌های حاصل از این تحقیق، توسط بعضی از تحقیقات قبلی تأیید و در مواردی رد می‌شود. مثلاً تحقیقات الن بورگ روسل (۱۹۷۶)، اسلاتیر (۱۹۶۸)، ویستن، ویستن (۱۹۷۸) نتایج به دست آمده را رد و مطالعات کوهن و دیگران و همچنین تحقیقات شرابل و کنت (۱۹۶۸) نتایج به دست آمده را تأیید می‌کند.

در رابطه با تراکم دانش آموز در کلاس و کوچک بودن فضای کلاس، تحقیقات شری آهرنتزن (۱۹۸۱) نشان می‌دهد که هر قدر فضای داخل کلاس بیشتر باشد، میزان حواسپرتی کمتر خواهد بود و رضایت بیشتری از محیط کلاس حاصل خواهد شد. به این ترتیب یافته‌های تحقیق حاضر نیز مؤید تأثیر عامل فوق است زیرا همانطور که داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد ۶۵/۲ درصد دانش‌آموزان و ۸۶/۱ درصد معلمان، تراکم دانش‌آموز و کوچک بودن فضای کلاس را عامل مؤثر در بی‌توجهی دانسته‌اند.

پیشنهادات

نتایج این تحقیق بیانگر احتیاج مبرم نظام آموزشی به تغییرات بنیادی و هماهنگ در تمام ابعاد وجودی خود می‌باشد و این احتیاجات نیز همان زمینه‌هایی است که موجب تشکیل شورای تغییر بنیادی نظام گشته و این شورا را در جهت تحقق چنین تغییری ترغیب می‌کند. اما باید توجه داشت که در این خصوص به طور کلی نتایج تحقیق حاضر را می‌توان به عنوان ارزیابی همه جانبه و مهمی تلقی نمود که با تعیین حساس‌ترین نقاط ضعف در عناصر اصلی آموزش و پرورش (دانش آموز، معلم، محتوی، محیط فیزیکی) رهنمودهایی در جهت درمان نقاط آسیب دیده ارائه می‌دهد. خصوصاً اینکه نظرات دانش‌آموزان و معلمان را - به عنوان دو منبع با ارزش که به دلیل تماس نزدیک با مشکلات در اظهار نظر محقق‌ترند - بیان می‌دارد. وزارت آموزش و پرورش و دست‌اندرکاران طرح تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش می‌توانند یافته‌های حاصل از این پژوهش را به صورتی گسترده‌تر و دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهند و در صورت نیاز با اجرای پژوهش‌های دیگر عوامل مؤثر در بی‌توجهی و یا به عبارتی مؤثر در کاهش بازده‌های آموزشی را شناسایی و در رفع این عوامل قدم‌های مؤثر و منطقی بردارند. با توجه به یافته‌های این تحقیق، می‌توان پیشنهاد نمود که مطالعه برای ایجاد تغییرات لازم در موارد زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱ - تغییر در برنامه درسی و آموزشی مراکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری.

نتایج به دست آمده در جدول ۴ بیانگر این است که در ارتباط با معلمان عوامل متعددی موجب بی‌توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی می‌شود. با کمی دقت در عوامل مذکور معلوم می‌گردد که:

الف) برنامه‌های آموزشی این مراکز آگاهی‌های لازم و کافی حرفه معلمي (در بعد علمی)، را به دانشجویان ارائه نمی‌دهد.

ب) درانتخاب داوطلبان این حرفه، ویژگی‌های شخصیتی مناسب مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

ج) برنامه‌های آموزشی بگونه‌ای ارائه نمی‌شوند که در پایان دوره، فارغ‌التحصیلان توانایی علمی و رفتاری مورد نیاز را کسب نمایند.

۲ - تجدیدنظر در شیوه‌های تدریس.

نگاهی دوباره به نتایج جدول ۴، نشان می‌دهد که بسیاری از عوامل مؤثر در بی‌توجهی دانش‌آموزان (مثل روش تدریس فراهم نکردن شرایط رقابت در کلاس و ساکت و بی‌حرکت نشاندن دانش‌آموزان در کلاس و...) به روشهای تدریس سنتی و معمول معلمان در مدارس (شیوه‌های غیر فعال) مربوط می‌گردد. لذا تجدیدنظر در شیوه‌های تدریس و آماده کردن معلمان برای استفاده از روشهای فعال در تدریس ضرورتی است که با برنامه‌ریزی کافی در کلاس توسط معلمان مورد استفاده قرارگیرد. این ضرورت از بعد

انتخاب محتوی دروس (اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵) و عدم رعایت اصول کاربرد شیوه‌های فعال در انتخاب و سازماندهی محتوای درسی بار دیگر مورد تأکید قرار گرفته است.

۳- تدوین محتوی براساس اصول انتخاب و سازماندهی محتوای درسی.

همانطور که اطلاعات بدست آمده در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، عوامل گوناگونی در ارتباط با محتوای دروس موجب بی‌توجهی دانش‌آموزان به مطالب درسی می‌شود. مثل انتزاعی بودن محتوی، مشخص نبودن ضرورت، کاربرد و فایده دروس، عدم هماهنگی مطالب درسی با اهداف و نیازهای دانش‌آموزان، حجم زیاد مطالب و... این داده‌ها اشکالات را در دو بعد مهم و اساسی انتخاب و سازماندهی محتوی نشان می‌دهد. زمینه‌هایی که دست‌اندرکاران تدوین کتب باید از دید علمی اساس کار خود قرار دهند.

۴- بناسازی محیطهای آموزشی براساس معیارها و استانداردهای متناسب.

چنانکه جدول شماره ۶ نشان می‌دهد، تأثیر برخی از عوامل محیط فیزیکی کلاس در بی‌توجهی دانش‌آموزان مثل کوچک بودن کلاس، نامناسب بودن نور آن، شکستگی و خرابی تخته، مشرف بودن پنجره کلاس به منازل مسکونی، سرمای کلاس و... رعایت برخی از ظرافتها را در ساخت و بناسازی محیطهای آموزشی گوشزد می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



زیر نویسها

۱- بیلر، رابرت، ۱۳۶۷، ص ۳۵۱.

۲- در یادگیری شناختی، بیش بدون توجه و تمرکز حاصل نمی‌شود. در این نوع یادگیری هنگامیکه آزمودنی با آزمونی برای تعیین مقدار یادگیری روبرو می‌شود. محرک (سؤال) را مورد توجه قرار می‌دهد، و با عنایت به آن در حافظه به جستجو می‌پردازد تا به عمل مقتضی برسد (انکینسون، رینال و دیگران، ۱۳۶۷، ص ۳۸۵).

۳- این اطلاعات، از گزارشهای مکتوب در دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی، توسط نگارنده، استخراج گردیده است.

- ۴ - Lahardern.
 ۵ - Soli.
 ۶ - Devine.
 ۷ - Husen, T.1985.Vol 8, P 4886.
 ۸ - Sallyan Amdur Sack.
 ۹ - Sack, S.A.1973, P 425.
 ۱۰ - Ellenburg.
 ۱۱ - Russel.
 ۱۲ - Slater.
 ۱۳ - Weinstein & Weinstein
 ۱۴ - Cohen.
 ۱۵ - Evans.
 ۱۶ - Krantz.
 ۱۷ - Stokols.
 ۱۸ - Sherry Ahrentzen.
 ۱۹ - Ahrentzen, Sh. 1981.
 ۲۰ - Kenneth.
 ۲۱ - Shrable.
 ۲۲ - Shrable, K. 1968.
 ۲۳ - Hancock.
 ۲۴ - Matlin, M.W 1988, PP 419 420.
 ۲۵ - Morgan & Krejcie.
 ۲۶ - Christensen, L.B, 1985.

۲۷ - این روش Multiple Matrix Sampling با نمونه‌گیری ماتریسی چندگانه نامیده می‌شود. (ولف، ارزشیابی

آموزشی، ترجمه دکتر علیرضا کیامنش، مرکز نشر دانشگاهی (۱۳۷۱).

- ۲۸ - Selfreport.
 ۲۹ - Graham, J.R, 1984, PP. 287-290
 ۳۰ - Reliability
 ۳۱ - Retest.

۳۲ - جدول کامل این عوامل در رساله موجود است. علاقمندان می‌توانند به اصل آن، در دانشگاه تربیت مدرس

مراجعه نمایند.



شہد شکار علم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی